**به نام خدا**

**اصالت صلح و گفت و گو و واکاوی ابعاد آن در اندیشه و عمل پیامبر اکرم (ص)**

سعید پورعلی

دکتری علوم سیاسی /عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی

پست الكترونيكي [sapourali@gmail.com](mailto:sapourali@gmail.com)

تلفن همراه 09123907662

 تلفن ثابت:88873625

**چکیده**:

صلح را عقدی می دانند که با برچیده شدن نزاع و در گیری منعقد می شود.درحالی که صلح می تواند پیش از منازعه ونوعی پیشگیری از درگیری باشد. یکی از راه هایی که صلح و همزیستی مسالمت آمیز را در زمان پیامبر (ص) ممکن ساخت مبحث گفت و گواز طریق ارتباط میان فرهنگی با دولت های دیگر بود. هدف این مقاله واکاوی اندیشه وعمل پیامبر اکرم (ص)با محوریت اندیشه صلح وگفت وگوست. برای واکاوی اصالت صلح و گفت و گو و ابعاد آن در اندیشه و عمل پیامبر اکرم (ص) لازم است که دو نوع صلح الف:صلح با مشرکین ب:صلح با ادیان در زمان ایشان بررسی گردد.پزوهش درصدد است به این سوال پاسخ دهد، که پیامبر اکرم(ص) بر اساس چه شناختی از اهداف و علايق مشترك، صلح وهمزیستی مسالمت آمیز با مشرکین و ادیان را شکل داد؟ روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کتابخانه ای بوده است که برای جمع آوری اطلاعات در زمینه¬ی ادبیات و پیشینه¬ی تحقیق استفاده شده؛ لذا با مطالعه¬ی کتاب ها، مقالات، مجله ها، تحقیقات دیگر پژوهشگران و جستجو در اینترنت، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده است . نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد گفت و گوی پیامبر اکرم(ص) با سایر دولت های غیر اسلامی، روشي بر پايه هاي عدالت خواهي، واقع بيني ، صلح دوستي ، رواداري ، حقيقت جويي و بردباري بود. وبرهمین اساس آن حضرت با باور به اصالت صلح وروش گفت وگو توانستن فضای گفتمانی مبتنی بررحمت را عمومی سازد.

**کلید واژه:** صلح،ارتباط میان فرهنگی،گفت و گو، همزیستی مسالمت آمیز

.

* **مقدمه**

فضای ظهور پیامبران بر مبنای رسالتی است که بر دوش آنان است.بنا براین خطاب های خداوند نیز با توجه به رسالت های پیامبران متفاوت است. در قران غالب خطاب های خداوند به پیامبر اسلام، "یا ایها النبی"و "یا ایها الرسول" می باشد.و تفاوت این دو خطاب در این است ،انسانی که با عالم غیب و مقام ربوبی مرتبط است و از عالم بالا وحی را دریافت می کند،نبی گفته می شود، و از این لحاظ که مسئولیت ابلاغ پیام خداوند به مردم یا انجام عملی را به عهده دارد، رسول گفته می شود .(سبحانی تبریزی،1370،ج1،266-267) به همین خاطر در 28 مورد، اطاعت رسول ، اطاعت خدا بیان شده است. این امر نسبت به واژه"نبی" دیده نمی شود.(مصطفوی، 1360،ج14،132) بنابر این رسول ،در حیاتش بر نامه ای جز اجرای رسالت و ابلاغ پیام خدا ندارد. لذا پیامبر برای رسالتی برگزیده شده است،که بر محور "ابلاغ پیام" می باشد.ابلاغ هر پیامی مستلزم بستر سازی ، ایجاد فضای تعامل و شنیدن سخن مخاطبان است. تعامل با مخاطب به گونه ای است که همزیستی مسالمت آمیز و مداراجویانه در گفت و گوی حق محورانه شرط بقای آن تلقی شود.بر این اساس تعامل پیامبر(ص)، در عرصه ی رسالت، مبتنی بر "دعوت "بود.

در واقع دعوت گفتمانی است که ساختن و تعامل و چانه زنی بر سر واقعیت به وسیله ی ابزار های زبانی است. در هر گفتمان، حضور عنصر گفت و گو یا دیالوگ شرط اساسی و مبنای ضروری به شمار می رود.( دایان،1380، 66 ) در این دعوت ملاک ومعیار "جدال احسن" و گفت و گوی مسالمت آمیز" است.و" پیامبر رحمت" با استفاده ازلوازم گفت وگو و احترام به حقوق انسان ها ، صلح و آشتی و کرامات انسانی را برای مسلمانان نهادینه کرد.برای واکاوی اصالت صلح و گفت و گو و ابعاد آن در اندیشه و عمل پیامبر اکرم (ص) لازم است که دو نوع صلح در زمان ایشان الف:صلح با مشرکین ب:صلح با ادیان بررسی گردد.و به این سوال پاسخ دهیم که پیامبر (ص) بر اساس چه شناختی از اهداف و علايق مشترك، صلح وهمزیستی مسالمت آمیز با مشرکین و ادیان را شکل داد؟

**صلح**

صُلح: «آشتي، سلم، تراضي ميان متنازعين، سازش، مقابل حرب و جنگ » (دهخدا، 1377،ج 10، 15025) دست کشيدن از جنگ با عقد قرارداد (عميد، ، ج 2 ، 1366)و ريشه آن « ص ل ح» (الازهري، 2001، ج 2، 2039) مي باشد.  مانند آيه شريفه « والصُّلحُ خيرٌ ». (سوره نساء ، 128) راغب اصفهاني، صلح مسالمت، سازش واز بين بردن نفرت ميان مردم است.(اِصطلَحوا و تصالَحوا:صلح کردند و کينه شان از ميان رفت).» (راغب اصفهاني، 1383، ج 2، 412)

  صُلح: « رفع اختلاف، آشتي، پايان دادن به حالت جنگ و مسالمت است.(تصالحوا:با يکديگر آشتي کردند)،(اصطلحوا علي الامر:در آن کار يکديگر را شناخته و با هم کنار آمدند و به توافق رسيدند)؛ صُلح گاهي براي وصف آمده و گويند:(هو صُلحٌ لي و هم لنا صُلحٌ:او با من آشتي است و آنان با ما آشتي هستند.) (محمد خلف و همکاران،1384ج1، 1106) به گفته باروخ [اسپینوزا](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D9%BE%DB%8C%D9%86%D9%88%D8%B2%D8%A7" \o "اسپینوزا) صلح به معنی نبود [جنگ](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF" \o "جنگ) نیست بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه میگیردوهمانطور که آزادی به چم زندانی نبودن نیست صلح هم به چم نبود جنگ نیست

[(](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3) [فلسفی، 4،1390) صلح حالت آرامش و امنیت عمومی در کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر2-فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید3- فقدان جنگ ،توسعه مناسبات و همیاری ملت ها(فرهنگ علوم سیاسی ،1375:285)](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

**[همزیستی مسالمت آمیز](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)**

["همزیستی" در لغت به معنای باهم زندگی کردن، زندگانی مردم دو کشور با کمک اقتصادی و سیاسی به همدیگر، و زندگی دو تن یا دو گروه با یکدیگر در حالی که شاید مناسب یکدیگر نباشند.(عمید،1267 دهخدا، ج15،2354)   
همزیستی مسالمت‏آمیز در اصطلاح حقوق بین‏الملل نحوه مناسبات،بین ممالکی که دولت های آنها دارای نظام های اجتماعی و سیاسی مختلف هستند. یعنی رعایت اصول حق حاکمیت،برابری حقوق،مصونیت و تمامیت ارضی هر کشو.ر کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها،احترام به حق کلیه خلق ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و حل و فصل مسائل و اختلافات بین المللی از طریق مذاکره.(آقا بخشی، 1374،286) به بیان دیگر، حق همزیستی مسالمت‏آمیز دارای دو بعد است؛ از نظر حقوق بین‏الملل عمومی «مناسبات دوستانه بین ملت ها و دولت ها بر اساس شناسایی یکدیگر، برابری حقوق، عدم مداخله و حل و فصل مسالمت‏آمیز اختلاف ها.»( کریمی‏نیا، 1379، 32) و از نظر حقوق بین‏الملل خصوصی«به رسمیت شناختن اقلیت های دینی و قومی در داخل یک سرزمین، احترام به حقوق آنها، آزادی در انجام فعالیت های دینی و مذهبی.»(همان)](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

**[ارتباطات ميان فرهنگى](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)**

[براساس نظریه ویور، روابط میان فرهنگی به کنش متقابل انسانها از فرهنگ های گوناگون مربوط می شود. این کنش متقابل، هم در سطح میان فردی و هم در سطح ملی صورت می پذیرد. (فیشر،1996،xiv) تعریف دیگر، بیان می کند که مطالعات میان فرهنگی شامل کنش متقابل واقعی افراد از فرهنگهای مختلف می شود; همانند تحلیل و تفسیر وقایع به هنگام مذاکره و گفتگو(ویور،1996 بی،2)](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

[ارتباط ميان فرهنگى، ارتباط ميان مردمانى است كه ادراكات فرهنگى و نظام نمادين آن بحدى از يكديگر متمايز است، كه پديده‏هاى ارتباطى را متفاوت جلوه مى‏دهد.(ساموار:1379:58) براین اساس، به آن دسته از عناصر فرهنگی مؤثر برکنش متقابل در ارتباطات میان فرهنگی توجه می شود، که وجوه اشتراک و افتراق دو فرهنگ را در برگیرد. در حقیقت، انسان ها از فرهنگ های مختلف با یکدیگر ملاقات می نمایند، به کنش متقابل می پردازند و سعی در حل مسائل خود از طریق روابط درونی می کنند، چه اتفاقی می افتد (کاسمیر،1989،278)](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

**[گفت و گو](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)**

[گفت و گو به لحاظ لغوی درزبان فارسی به معنای " مباحثه، مجادله ، مکالمه، .... ، گفتار و گفت و شنود" آمده است(دهخدا،1377، 16931-16928) گفت و گو را بیش از هر واژه ای معادل واژه " دیالوگ" در زبان انگلیسی می دانند که در لغت. (فرهنگ وبستر:921) به معنای " مبادله و مباحثه در باب اندیشه ها" است](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

[گفت و گو نشان دهندهء نوعی سیلان و جریان معنی میان شماری از افراد است. از رهگذر این جریان معنی ، نوعی فهم و درک نو که در آغاز گفت و گو وجود نداشته ، پدیدار می شود.( پایا،1381، 66-67) مفهوم ظاهري «گفت و گو» آن است كه دو طرف مايلند كه براساس تفاهم، همزيستي مسالمت آميزي داشته باشند.بايستي كه هر دو طرف تماس و گفت و گو را ضروري دانسته و از آن استقبال كنند.(تافلر، 1376 ، 11)](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

[سقراط پدر گفت وگو ، این فرآ یند را آن لحظه ممکن می دانست که انسان به جهل خودش وقوف یابد.گفت وگو از نظر سقراط محصول تو جه آدمی به این نکته است که " نمی داند".](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

[همین معرفت یعنی " علم به جهل"، محرکی برای رشد معرفت فردی از طریق گفت و گو با دیگران می شود و به دیگران نیز کمک می کند تا در مسیر بسط معرفت قرار گیرند.( خانیکی،1387، 171 ) در واقع معنای دیالوگ شفاف شدن نسبت‏ها و مناسبت‏ها و رابطه‏ی بین افراد تا آن حد است که بتوانند موقعیت یکدیگر را درک کنند و به آن حق بدهند.](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD" \l "cite_note-3)

**اصالت صلح و گفت و گو و واکاوی ابعاد آن در اندیشه و عمل پیامبر اکرم (ص)**

از نظر اسلام، صلح و همزيستي مسالمت‏آميز انسان ها با عقايد و مذاهب گوناگون، يك ارزش و هدف است . هدف از صلح، مصلحت‏گرايي نيست، بلكه خود صلح، مصلحت است; زيرا با زندگي فطري انسانها سازگارتر است و در شرايط صلح، رشد و تعالي انسان و تفاهم براي رسيدن به توافق ها و سرانجام به يگانگي آيين بشري و گرايش به حق امكان‏پذيرتر است )عميد زنجاني،1364،364( برخی صلح را به مثبت و منفی تقسیم می کنند.و معتقدند صلح مستقیم«صلح منفی» یعنی نفی خشونت مستقیم و ساختاری(حفظ صلح)،وحتی فرهنگی،و صلح ساختاری را «صلح مثبت» یعنی ایجاد صلح ساختاری و فرهنگی می دانند.( کالتونک،1985 ،4-1).

ماریا مونته سری(1949،7) اگرچه آن چه که عموماً از صلح استنباط می شود، پایان بخشیدن به خشونت و جنگ (صلح منفی) است، اما صلح واقعی به ترویج و اعتلای عدالت و عشق در بین انسان ها و ایجاد دنیایی بهتر است که در آن هماهنگی، همسازی و توافق حاکم باشد(همان ،155)به نظر مى‏رسد كه صرف نظر از معناى عام ارتباطات ميان فرهنگى، معناى خاص آن بيشتر به ارتباط در سطح ميان فردى توجه دارد و مسائلى را كه بين دو فرد از دو فرهنگ متفاوت در اين زمينه به وجود مى‏آيد- بويژه مسائل ذهنى و در فهم متقابل - بررسى مى‏كند. ارتباطات‌ میان‌ فرهنگی‌ هنگامی‌ ظهور می‌کند که‌ مردمانی‌ با فرهنگ‌ یا پاره‌فرهنگ‌های‌ هویتی‌ متفاوت‌ به‌ ارتباط میان‌ خود بپردازند.( جانت:1995:408)

در روند مطالعات صلح های پیامبر (ص)، به بررسی شرایطی می پردازیم که نه تنها ما را از خشونت«صلح منفی» دور می سازدبلکه به صلح«صلح مثبت» نیز نزدیک تر می گرداند .بنا براین صلح فرهنگی یا صلح مثبت،متضمن فهم این مطلب است که "هدف در روند صلح آفرینی تنها پایان دادن به خشونت نیست،بلکه بستر سازی و توسعه و پاسداری از صلح را نیز در بر می گیرد.

قرآن كريم نژادپرستي، تحميل عقيده، و تعصّب هاي نادرست را رد، و از پيشنهاد صلح، همكاري بر اساس اصول مشترك، و گفت و گوي مسالمت آميز استقبال مي كند .استاد مطهري فرموده اند:« صلح معنايش اين است: همزيستي شرافتمندانه، نه اين که ازيک طرف تجاوزگري واز طرف ديگر تسليم شدن در مقابل ظلم باشد » (مطهري، 1373 ،16)  در قاموس قرآن نيز در ذيل اين واژه چنين آمده؛ «صلح يعني آشتي و مسالمت و نيز آن اسم است از مصالحه ، که مذکر و مونث آن يکسان است چنان که گويند:وقع الصُلح و وقَعَتِ الصُلح، و نيز صلح زماني تحقق مي يابد که دشمني از ميان برداشته و سازش جايگزين آن شود.» (قرشی،1371، ج4-3 ، 141( صلح بدون عدالت ،خاستگاهی مادی گرایانه دارد. عدالت در اسلام،به این معنی است که هر چیز در جای خود قرار گیرد،بنابر این صلح عادلانه،وضعیت متعادلی است که در آن همه مردم از حقوق حقه خود بهره مند می شوند.

صلح عادلانه را می توان نسخه ای از صلح اسلامی تلقی کرد که همه جامعه بشریت را خطاب قرار می دهد.(همان،25)مؤلفه های صلح عادلانه باید باورها ،ادراکات، رفتارها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بر پایه منظومه ای از نوع دوستی،احترام ،کمال یا عدالت استوار گردد.(بنگاش،1392، 14)پیامبراکرم (ص) به عنوان سفیر صلح برای بشریت با "پیام صلح" در محور گفت و گوی مبتنی بر حق را سر لوح خود قرار دادند. بستن پیمان ها وانعقاد قرار داد های صلح ایشان،برمبنای گفت و گو و احترام به نیازها و منافع مشروع متقابل بوده است.زیرا وقوع گفت و گوي حقيقي و همزباني موقوف به شرايطي است درگفت و گو بايد چيزي براي گفتن باشد و گفته را ديگران نيز فهم كنند گفت و گو سخن محبت است و سخن محبت را با گوش محبت و انس مي شنوند. در گفت و گو ميل تغلب نيست. اگر ميل به غلبه وجود داشته باشد، ديگر گفت و گویی وجود ندارد. گفت و گو گفت و شنود تفكر است( داوری: 20: 1387) گفت و گو تنها ميان اشخاص برابر ممكن مي شود يعني دو طرف نه فقط بايد تحمل شنيدن سخن يكديگر را داشته باشند بلكه بايد مهياي شنيدن باشند و گفت خود را با آنچه مي شنوند متناسب و هماهنگ سازند.( همان :22)

با توجه به بافت حکومت طائفه ای در عربستان ، و حضور ادیانی چون یهود ، مسیحیت و زرتشت ، پیامبر(ص)با غیر مسلمانان از اهل کتاب و مشرکین ، گفت وگو و مذاکره کرده و قبول شروع گفت و گو از جانب پیامبر(ص) به آن معنی است که مبارزه ، امر واجبی نیست و یا یگانه امری نیست که انجام دادن آن واجب باشد. و همین گفت و گوها منجر به انعقاد عهدنامه هایی با آنان شد.که در تاریخ ثبت شده است.لذا صلح های زمان پیامبر(ص)را به دو گروه مشرکین و ادیان بر مبنای گفت و گو با استناد به آیات الهی تقسیم می کنیم:

الف: صلح با مشرکین

در زمان پیامبر(ص) مهم ترین واحد سازمان سیاسی،اجتماعی مردم طایفه بود.و بی گمان ،اقوام و قبیله های ساکن در جزیره العرب، خواسته یا ناخواسته ، به جنگ ها و کشمکش های دامنه داری تن در می دادند که گاه تا سال ها و دهه ها به درازا می کشید. در فرجام بسیاری از جنگ ها ،اعراب پس از توافق بر سر "پرداخت خون بهای کشتگان "به "صلح"البته صلحی "زود گذر"روی می آوردند.(البیاتی:275:1407:جرجی زیدان :282،1922)

افزون بر این ،همان گونه که گاه یک سخن "نیش دار" قبیله های عرب را گرفتار جنگی مهیب می ساخت،در برخی از اوقات به گفتار و یا سروده ای به سان "نوشدارو" بود که سبب می شد گروهی از دام قتل و اسارت رهایی یابند. ماجرا هایی به نام "یوم الحلیمه" و "یوم الشباک" از این شمار بودند.(جاد المولی:1942:59و228) با توجه به موقعیت قبایل در عربستان یکی از روش هایی که پیامبر(ص) توانست از طریق آن قدرت موقتی کسب کند، دعوت قدرت های کوچک محلی به یک چار چوب عادلانة غیر تهاجمی بود که در آن حقوق و مسئولیت هریک به صراحت مشخص شده بود.(بنگاش:1392:38)در آن زمان پیامبر(ص) از ارتباط میان فرهنگی که "می تواند"بین شخصی"یا "بین گروهی" باشد اعم از این که این رابطه در درون یک جامعه در بین افراد و گروه ها یا خرده فرهنگ های قومی و مذهبی مختلف باشد،یا در بین جوامع با چارچوب های فرهنگی متفاوت،"(گودی کانست(1986)کیم(1986)هارین و بریگز(1991) استفاده کردند. وبا شناخت از قبیله ها با گفت و گو و همزبان شدن و با کوشش سیاسی مناسب، اقدام به انعقاد قرار داد هایی که برای طرفین مفید و مبتنی بر احترام به نیاز ها و منافع مشروع هر دوطرف باشد کردند.

صلح با«بنی ضمره» و «بنی مدلج» در دومین سال از حاکمیت اسلام در یثرب، این فرصت فراهم شد تا پیامبر(ص) و دو خاندان مزبور از «مشرکان» پیمان «ترک دشمنی» منعقد سازند و روابط خود را بر اساس گونه ای از صلح پایه گذاری کنند(واقدی،1359،11-12)در رابطه با پیامد های این دو صلح که" به شکل مکتوب در قالب «صلح نامه» مضبوط گردید."(سهیلی،1379،78)هیچ گونه نزاع و دشمنی بین مسلمانان و طرف مصالحه ، در هر یک دو صلح وجود نداشته است.

صلح با «قبیله خزاعه»که مشرک بودند و این زمینه وجود داشت که ایشان نسبت به رسول خدا(ص) دشمنی بورزند، اما برخلاف این َ،افرادخزاعه دوستان وفاداری برای آن حضرت بودند،البته این امر ریشه در معاهده هایی داشت که سال ها پیش ، قبیله خزاعه و عبدالمطلب،نیای پیامبر(ص)،آن را منعقد کرده بودند.معاهده گرچه در اساس،یک پیمان «دفاعی» مشترک بود،اما در زمان پیامبر(ص) به شکل یک پیمان «صلح» و «دوستی» کارآیی داشت تا آن جا که از نگاه مشرکان قریش، افراد خزاعه «رازدار» پیامبر(ص) به شمار می آمدند.(واقدی،749) لذا در آيه 90 سوره نساء خداوند به مسلمانان دستور می دهد که اگر مشرکین با شما پيکار نکردند و پيشنهاد صلح دادند، به شما اجازه نمي دهیم که به آنها تعرض کنيد و شما نيز بايد اين پيشنهاد را بپذيريد.( مکارم شيرازي و ديگران، 1358، ج4، 54)همچنين در آيه 61 سوره انفال صلح طلبي را به صورت اصل اساسي به مسلمانان و حکومت اسلامي سفارش مي کند. اگر آنها تمايل نشان دادند پاسخ مثبت دهيد يعني از گفت وگوهاي ابتدايي صلح نيز استقبال کنيد.( سليمي،1386، 173)

عملکرد پیامبر(ص) در جهت هرگونه خنثی سازی خشونت و جنگ و ایجاد «صلح توأم با گفت و گو» بود . زیراگفت‌وگو روشي متقن براي رسيدن به حقيقت نيست اما نگاه و رويكردي است كه امكان تقرب به آن را فراهم مي‌آورد. گفت‌وگو، تجلي و روشني‌گاه عقلا‌نيت ارتباطي است اما از سوي ديگر اين گفت‌وگو شرطي دارد كه بدون تحقق آن امكان گفت‌وگو از ميان مي‌رود، اين شرط همان تساهل يا رواداري است( طبا طبایی : 15 : 1385).

به معناي ديگر گفت‌وگو زماني شكل مي‌گيرد و از روندي يك سويه تبديل به فرآيندي دوسويه مي‌شود كه دو طرف گفت‌وگو، روادار باشند; يعني از آن پيش فرض معرفت شناسانه نخستين نگاه ميان فرهنگي آگاه باشند و بدان عمل كنند. تساهل يعني آگاهي از محدوديت معرفت خودو سپس عمل به مقتضاي آنكه اين عمل به مقتضاي تساهل همان احترام به طرف گفت‌وگوست.

بدين ترتيب شخص گفت‌وگو كننده، همان طور كه موضع خود و طرف مقابل را نسبي مي‌داند اما به طور نسبي هر دو را نيز محق مي‌داند و نتيجه چنين نگرشي برقراري يك رابطه متقارن و متعادل ميان طرفين گفت وگوست. با تحقق پيش‌شرط تساهل، طرفين گفت‌وگو به استقلا‌ل مي‌رسند و هيچ‌كدام از طرفين سعي در ضميمه‌سازي تفكر «ديگري» به تفكر خود ندارد اين تنها نگاه ميان فرهنگي است كه در پي رفع اين نقيصه برآمده است و طرحي جايگزين را ارايه مي‌كند كه در آن دو سوي گفت‌وگو، درارتباطي متعادل قرار مي‌گيرند و امكان بروز خشونت فكري از ميان مي‌رود( همان: 16). در واقع اين ديگر ما نيستيم كه از گفت‌وگو به عنوان يك روش براي رسيدن به حقيقت استفاده مي‌كنيم بلكه اين گفت‌وگوست كه به ما شكل مي‌بخشد، ما را مي‌سازد و آماده پذيرش روشنايي حقيقت مي‌كند( همان : 8)

گفت و گو ی پیامبر(ص) با مشرکین همزبان شدن دو تفكر بود. که در وادي تفكر آغاز مي شد و در وادي تفكر جريان پيدا مي كرد و در همان جا به نتيجه مي رسید و سياست و اقتصاد و جامعه و معاملات و مناسبات و حقوق بر اثر آن قرار و ثبات پيدا مي كرد و همه مسلمانان از بركات آن برخوردار و بهره مند مي شدند.

در«صلح حدیبیه» پیامبر(ص) از یک موضع کاملاً«فعال»برخوردار بودند، و بر خلاف آن چه که در اذهان جای دارد،قریشیان مشرک در مراحل مختلف صلح«منفعلانه» عمل می کردند و موضعی «واکنشی» داشتند.چنان که در آغاز حرکت پیامبر(ص) و مسلمانان به سوی مکه، خود اقدامی بود که قریشیان را به مقابله ای «ناخواسته» و نا گزیر، در قالب ممانعت از حج وادار نمود.پیامبر(ص) پیشنهاد صلح دادند و مشرکان به تکاپو افتادند و به هر رو «صلح » واقع شد، البه صلحی که خود زمینه ساز «فتح مکه» گردید(زینی دحلان،42-45،1379)موضع پیامبر(ص) از دو ویژگی برخوردار بود،یکی فعالانه( کنشی) بودن، و دیگری آمیخته از مدارا و قاطعیت.(واقدی،604)

در مورد صلح حدیبیه پیامبر(ص) با شناختی که از ارزش فرهنگ چند وجهی قبیله قریش داشتند، سعی کردند با منطق و عدالت و مدارا و قاطعیت پیمان صلح را منعقد نمایند.

در واقع گفت وگوهاي ميان فرهنگي به اين جا منتهي مي شوند كه مشتركات و تفاوت ها را ثبت كنيم و آنچه را كه قابل فهم در متن يك فرهنگ بيگانه نيست همچنان پابرجا نگه داريم و مورد احترام و ملاحظه قرار دهيم.

( کیمر له،1387، 1387) پذیرش صلح نامه برای پیامبر نتایج و دستاوردهای مهمی در پی داشت از جمله :

الف-حکومت اسلامی از سوی مشرکان قریش به رسمیت شناخته شد، تا آن جا که قریشیان پذیرفتند که دیگر نسبت به مسلمانان خیانت نورزند.(زینی دحلان،44)

ب-شمار مسلمانان فزون گردید و آیین اسلام گسترش یافت،زیرا با انجام این آشتی،دیگر منعی برای «سخن گفتن» پیامبر(ص) با مردم در میان نبود.(واقدی،624)

ج-دامنه فعالیت های پیامبر(ص) در زمینه های تبلیغی،سیاسی ونظامی گسترده شد.

د-مسلمانان پیوند خود را با اقوام عرب در برپایی مراسم حج اعلام داشتند،

بوهم می‏گوید:در گفت و گو هیچ کس به دنبال این نیست که خودش برنده شود. هر کس که برنده شود به معنای این است که همه برنده شده‏اند. روحیه‏ی حاکم بر آن متفاوت است... مشارکت در گفت و گو بازی کردن با هم است، نه بازی در برابر هم. در جریان گفت و گو هر کس که مشارکت داشته باشد برنده محسوب می‏شود.( بوهم، 1381،57)

ب-صلح با ادیان

خداوند در آيه ي 64 سوره آل عمران به نقاط و اصول مشترک بين دين اسلام واصل کتاب اشاره مي کند و به مسلمانان مي آموزد که اگر کساني حاضر نبودند در تمام اهداف مقدستتان به شما همکاري کنند از پا ننشينيد و بکوشيد دست کم در قسمتي که با شما اشتراک هدف دارند، همکاري آنها را جلب کنيد و ان را پايه براي پيش برد اهداف مقدستان قرار دهيد. (مکارم شيرازي و ديگران، ج2، 450)در آيه ي 46 و 48 سوره مائده و بسياري آيات ديگر به روشني مشخص است که اسلام اديان الهي و آسماني ديگر را به رسميت شناخته و آنها را تاييد و تصديق مي کند و به پيروان هر ديني دستور مي دهد تا به کتاب و آيين خويش (که قدر متقين آن توحيد و خداپرستي است) عمل کنند.

حرف اساسي اين انديشه آن است که «ديگر » را به جرم « ديگري » در پيش پاي «خود» به دليل «خودي» ذبح نکنيم و حتي در بسياري موارد درگير با آن هم تصور نکنيم. شنيدن حرف حساب ديگران را صرفاً به دليل «ديگري» مخل خود باوري و تصلب بر داشته‏هايمان نپنداريم. هنر شنيدن را نيز در کنار هنر گفتن بياموزيم و انديشة خود را پايان همه چيز ندانيم انديشة فلسفة ميان فرهنگي ، بي‏آنکه در صدد کم‏رنگ‏کردن " خود" باشد، به دنبال آن است که «خلأ» ميان «خود» و « ديگري » را به سود هر دو پر نمايد. بهترين عنصري که مي‏تواند اين خلأ را پر کند، عنصر « گفت و گو» است. ميدان گفت وگو، خاستگاه پديدة نويني به نام «تکثر معرفتي» است که از مميزات.انديشة ميان فرهنگي است .(رضوی راد،1385،4)

در هر گفت وگویی، آغاز كردن از نقاط مورد اتفاق كه بحث را بر زمینه مشتركی متمركز سازد حائز اهمیت است. وجوه مشترك می تواند پایه و اساس گفت وگو قرار گیرد و روح تفاهم و نزدیكی را بین دو طرف برقرار سازد. در این صورت، این گفت وگوها می تواند اختلاف ها را به عامل پویایی و زایندگی تبدیل نماید.  
به همین سبب در قرآن، جنبه های مشترك اسلام و دیگر فرهنگ ها و ادیان مورد توجه قرار گرفته است. اعتقاد به خدای یگانه، كتب آسمانی و پیامبران الهی، برخی مناسك، عبادات، و فضائل انسانی و… از وجوه مشتركی است كه ادیان و فرهنگ های گوناگون را به یكدیگر نزدیك می كند و زمینه مفاهمه و تعامل آنان را فراهم می آورد. قرآن كریم با توجه به این وجوه مشترك، پیروان دیگر ادیان الهی را به شاهراه هدایت و پیروی از خدای واحد فرا خوانده است.  
قرآن كریم در بخش پایانی آیه 46 از سوره عنكبوت به نكته قابل توجهی اشاره و در حقیقت، جدال احسن را به گونه ای دیگر تفسیر می كند. این قسمت از آیه، بر دعوت به مشتركات تأكید نهاده و از اهل كتاب خواسته شده به آنچه از سوی خدای یگانه بر مسلمانان و اهل كتاب فرو فرستاده شده ایمان آورند و همگی تسلیم حق باشند. قرآن جدال را زمانی احسن می داند كه دو طرف گفت وگو، در مسیر نزدیك شدن و وحدت حركت كنند و گفت وگو بر پایه وحدت و تفاهم و توجه به همسویی ها و نقاط اشتراك استوار باشد. این بخش از آیه، در واقع به مثابه تلاش اسلام برای تعامل و نزدیكی با اهل كتاب، از طریق ایمان به مقدسات آنان و مشتركات موجود است و آن، مظهر گفت وگوی آرام و نشانه مروت و مدارای اسلام با اهل كتاب به شمار می رود. (فضل الله، 1372 ، 124)

در بررسي سيره عملي پيامبر (ص) بايد به پيمان هاي صلح منعقد شده توسط ايشان نيز اشاره شود. در تمامي موارد تا هنگامي که غير مسلمان به پيمان خود وفادار بوده اند، دولت اسلامي نيز پيمان صلح را نقض نمي کرده است زيرا نقض پيمان از ديدگاه اسلام گناهي بزرگ و غير قابل گذشت است.( ابراهيمي و دیگران، 1372،ج1، 399)

پیمان صلح مدینه یا «منشور مدینه»به عنوان نخستین «پیمان بین المللی» در اسلام شهرت یافته است. این پیمان بین مسلمانان، مشرکان و یهودیان منعقد گردید.هدف اساسی این پیمان حفظ امنیت و همزیستی مسالمت آمیز همه گروه هایی بود که در مدینه کنار هم می زیستند.(علوی،1388،126)پیمان مدینه اولین منشور اساسی بشریت است که در آن شالوده های حقوق ملل با تأکید بر تضمین عدالت،صلح و امنیت انسان ها پایه ریزی شده است.و مقبولیت این قانون اساسی در شرایطی است که اکثریت مردم مدینه دین اسلام را نپذیرفته اند.(بنگاش،617)

صلح با یهودیان یثرب گرچه به ظاهر،تنها یک تمایز دینی با مسلمانان داشتند، اما اگر یثرب از سوی دشمنان مورد یورش قرار می گرفت،این احتمال وجود داشت که آن تمایز به شکل«رقابت» و «عداوت»نمایان شود. بنابراین اساس،معاهده پیامبر(ص) با آنان ،که این دشمنی احتمالی را از میان بر می داشت،یک موادعه(مصالحه) به شمار می آمد.(ابن هشام،1341،501،سلامّ،290،1388)

پیامبر(ص)در مورد قبایل یهودی با تفکیک و جداسازی آنان بر اساس شناختی که داشتند گفت و گو و پیمان صلح ،منعقد می کردند. پیامبر(ص)ضمن پیمان عمومی یثرب،یهود انصار را که از نظر نسبی، تابع قبیله های اوس و خزرج بودند را به عنوان امتی«متحد» با مسلمانان معرفی کردند که می توانند بر آیین خود باقی بمانند.البته به شرط آن که نیرنگ نورزند و در دفاع از یثرب ،همکاری نمایند.و با یهودیان قبیله های بنی قینقاع ،بنی النضیرو بنی قریظه عهد بستند تا در برابر مصونیت جانی و مالی و حفظ آئین خود،نسبت به مسلمانان«بیطرف» باشند و دشمن ایشان را یاری نکنند. زیرا این سه طائفه خود گروهی از یهودیان ساکن در یثرب بودند که افزون بر تمایز«مذهبی»با مسلمانان از نظر «تبار» و نژاد نیز با اهالی نومسلمان یثرب تمایزی آشکار داشتند که این ،یک تمایز مضاعف بود و سبب شد پیامبر(ص)نسبت به پای بندی ایشان نگران باشند.بدین جهت بر بی طرفی آنان پافشاری کردند.( منتظري مقدّم،1381،12)

صلح با یهودیان خیبر در دو مرحله«غلبه» و «صلح» تحقق یافت، بعد از غلبه یهودیان خواستار صلح شدند.(واقدی،ج2،670)براساس صلح جان خیبریان در امان بودو ایشان از قتل،و اسارت مصونیت یافتند، اما باید خیبر را ترک می کردند.(همان،671)پس از آن یهودیان تقاضای کار در نخلستان های خیبر کردند،پیامبر(ص) پذیرفتند و قرار شد که آنان در برابر انجام کار ، نیمی از محصول را دریافت کنند.

صلح با «یهود فدک» پیش از وقوع هر گونه درگیری ،درخواست کردند سرزمین را ترک کنند،اما در مرحلة دیگر ، خواستار ادامه کشت و کار در آن جا و دریافت نیمی از محصول شدند که مورد اجابت پیامبر(ص) قرار گرفت.(ابن هشام ،353)

مصالحه بر مبنای جزیه از سال نهم هجری آغاز شد.(طبرسی ،1376،34) صلح با مسیحیان نجران و زرتشتیان "بحرین"و عمان برمبنای جزیه بود.جزیه نوعی مالیات سالانه است که به وسیله حاکم اسلامی برای اهل کتاب ،مسیحیان ،یهودیان و زرتشتیان مقرر می گردد،پرداخت این مالیات ویژه ،در برابرآن است که ایشان در پناه حکومت اسلامی زندگی کنند. و در امنیت به سر برند.(صبحی،1360،362 و زحیلی ،1359،692)

در عملکرد پیامبر(ص) گفت و گو بيش از آنکه يک ابزار انتقال مفهومي باشد ، يک شيوة نوين زندگي است روشي که بر پايه هاي عدالت خواهي، واقع بيني ، صلح دوستي ، رواداري ، حقيقت جويي و بردباري استوار است..( رضوی راد،1385، 43) اگر بخواهيم مباني پايه‏اي انديشة ميان فرهنگي پیامبر(ص) را در حوزه‏ي گفت و گو بيان کنيم، مي‏توانيم به چهار محور اساسي در پیمان های صلح ایشان با مشرکین و ادیان اشاره کنيم:

الف- «جدال احسن» و «گفت و گوی مسالمت آمیز» ب- به رسمیت شناختن و احترام به حقوق انسان ها

ج- همزیستی مسالمت آمیز و مداراجویانه براساس اهداف و علایق مشترک

د- صلح و آشتی و نهادینه کردن کرامات انسانی.

* **نتیجه گیری**

طبق منابع اصيل اسلامي، صلح و همزيستي مسالمت آميز انسان ها، با عقايد و مذاهب گوناگون، يك ارزش و هدف شمرده شده، و اسلام، صلح و همزيستي با اديان و ملل ديگر را به صورت اصل و قاعده اساسي، در نظام تشريعي خود ملاحظه كرده است. از همان آغاز بعثت ،پيامبر اعظم(ص)مبناي دستورات و قوانين و اساس دعوت به توحيد خود را بر پايه­ي علم و عقل گذارد و از روش صلح توأم با گفت و گواستفاده کردند.آياتي از قرآن كريم; نژادپرستي، تحميل عقيده، و تعصّب هاي نادرست را رد، و از پيشنهاد صلح، همكاري بر اساس اصول مشترك، و گفت و گوي مسالمت آميز استقبال مي كند و ضمن به رسميت شناختن انبيا و كتاب هاي آسماني گذشته، به حقوق اقليت ها احترام مي گذارد.  
لذا پیامبر برای رسالتی برگزیده شده است،که بر محور "ابلاغ پیام" می باشد.ابلاغ هر پیامی مستلزم بستر سازی ، ایجاد فضای تعامل و شنیدن سخن مخاطبان است. تعامل با مخاطب به گونه ای است که همزیستی مسالمت آمیز و مداراجویانه در گفت و گوی حق محورانه شرط بقای آن تلقی شود.بر این اساس تعامل پیامبر(ص)، در عرصه ی رسالت، مبتنی بر "دعوت "بود. هدف از صلح، مصلحت‏گرايي نيست، بلكه خود صلح، مصلحت است; زيرا با زندگي فطري انسان ها سازگارتر است و در شرايط صلح، رشد و تعالي انسان و تفاهم براي رسيدن به توافق ها و سرانجام به يگانگي آيين بشري و گرايش به حق امكان‏پذيرتر است

پیامبر(ص)با دو گروه مشرک و ادیان الهی روبرو بودند و لذا از روش گفت وگو با استناد به آیات الهی توانستند ارتباط مسالمت آمیزی را در جهان اسلام حاکم نمایند. ایشان کوشیدند تا «دیگری» را همان گونه که هست بفهمند نه آن گونه که می‏خواستند.وبه «دیگری» هم تفهیم می کردند مسلمانان را آن گونه که هست بفهمند و بپذیرند، نه آن گونه که آنان می‏خواهند. پیامبر(ص)خود شخصاً از بسیاری قبایل اطراف مدینه دیدن فرمودند و با آنها توافق نامه امضاءکردند برخی قبایل اسلام آوردند و برخی این کار را نکردند،زیرا قرارداد صلح ایشان منوط به پذیرش اسلام نبودند.بسیاری از اهل کتاب صلح بر اساس جزیه در کشور های اسلامی در امنیت به سر می بردند. در سایة موجودیت بخشیدن به دیگری ، بنا نیست آمیختگی یا یکسان‏ سازی صورت بگیرد. سید یا ها ( 1987،ص 54) یک نویسنده‌ی هندی، در مقاله‌ی از صلح به عنوان یک فرایند نه یک نتیجه یاد می‌کند. او می‌نویسد: صلح فرایندی است که به واسطه‌ی آن هیچ‌کس ضرر نمی‌کند، به عبارت دیگر، صلح مجموعه‌ای از مهارت‌ها در زمینه‌ی برقراری ارتباط و رعایت قواعد اخلاقی است. (فتحی واجارگاه،25، 1387)

از مجموع مباحثي که ارائه شد مي توان نتيجه گرفت که همزيستي مسالمت آميززمانی امکان دارد که مبنا ی صلح توأم باگفت وگو، يک شيوة نوين زندگي بر پايه هاي عدالت خواهي، واقع بيني ، صلح دوستي ، رواداري ، حقيقت جويي و بردباري استوارباشد .که این چيزي بيشتر از حالت صلح است ،چرا که ممکن است کشورها درصلح باشند ولي ساير شرايط که لازمه ي همزيستي مسالمت آميز است از جمله همکاري و تعاون را نداشته باشند.

* **منابع فارسی**
* آقابخشی ،علی(1375) فرهنگ علوم سیاسی ،مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
* ابن هشام، عبدالملک(1341) *سيرة النبي*، ترجمه: رسولي محلّاتي، سيّد هاشم، تهران اسلاميه
* ابراهیمی ، محمّد، حسینی ، سید علیرضا (1372)اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ، تهران، سمت،
* الازهري، ابن منصور محمد بن احمد،(1379-2001) معجم تهذيب اللغة، دار المعرفه للطباعه و النشر 4جلد
* ابو عبید،بن سلام(1968/1388) کتاب الاموال،تحقیق محمد خلیل هراس،چاپ اول،قاهره،مکتبه الکلیات الازهریه
* بوهم، دیوید (1381)، درباره‏ی دیالوگ، گردآوری و تدوین: لی نیکول، ترجمه‏ی حسینی نژاد، محمد علی، دفتر پژوهش‏های فرهنگی
* بنگاش،ظفر(1392)دیپلماسی صلح عادلانه در سیره پیامبر اعظم (ص)،ترجمه اکبر بتوئی،انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی
* پایا، علی (1381) گفت و گو در جهان واقعی، تهران ،نشرطرح نو
* تافلر و همکاران(1376) بسوی تهران جدید ترجمه محمد رضا جعفری ، نشر سیمرغ
* جادالمولی بک و دیگران،محمد احمد(1942/1320/1461)ایام العرب فی الجاهلیه،بیروت،داراحیاء، التراث العربی
* خانیکی، هادی(1387) در جهان گفت و گو ، انتشارات هرمس
* خلف الله احمد محمد، انیس ابراهیم، منتصر عبدالحلیم، الصوالحی عطیه، (1374)المعجم الوسیط، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
* داوری اردکانی ، رضا ( 1387)مقاله" امکان گفت وگو" سایتrdavari.com
* دهخدا، علی اکبر(1377)"گفت و گو" لغت نامه، ج11تهران،دانشگاه تهران
* دايان. مک دائل (1380)مقدمه اي بر نظريه هاي گفتمان . ترجمة حسينعلي نوذري، تهران : انتشارات فرهنگ گفتمان،
* راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (1383) مفردات في غريب القرآن ، تحقيق صفوان عدنان داوودي،نشر:قم : طليعه نور
* رضوی راد، محمد،( 1385) پیدا و پنهان اندیشه میان فرهنگی، مجله اطلاع رسانی و کتابداری پژوهش و حوزه شماره 26
* زیدان،جرجی(1300-1922)العرب قبل الاسلام،تحقیق حسین مؤنس،قاهره،دارالهلال بی تا
* زینی دحلان،احمد (1373-1995)السیره النبویه و الآثار المحمدیه ،دوجلدی،چاپ دوم، بیروت دارالمعرفه
* سليمي، عبدالحکيم(1386) نقش اسلام درتوسعه حقوق بين الملل، انتشارات م‍وس‍س‍ه‌ آم‍وزش‍ي‌ و پ‍ژوه‍ش‍ي‌ ام‍ام‌ خ‍م‍ي‍ن‍ي‌(ق‍دس‌ س‍ره‌)، قم
* ساموار،ل و پورتر،ایو لیزارا(1379)ارتباط بین فرهنگ ها،ترجمه غ،کیانیو س ا. میرحسینی، تهران انتشارات باز
* سبحانی تبریزی،جعفر(1370) منشور جاویدان قرآن،قم،مؤسسه امام صادق(ع)
* سهیلی ،عبد الرحمن بن عبد الروض الأنف) 1421هـ/ 2000م1379ش) في شرح السیرة النبویة لابن هشام عبدالرحمننشردار احياء التراث العربي-موسسة التاريخ العربي،بيروت
* صبحی الصالح،(1982-1360)النظم الاسلامیه-نشأتها و تطورها،چاپ ششم،بیروت،دارلعلم للملایین
* طباطبایی، شاهد(1385) روزنامه حیات ن اقتصادی شماره 894
* طبرسی،ابوعلی فضل بن حسن(1998/1376/1408)مجمع البیان،تحقیق سید هاشم رسول محلاتی و سید فضا الله یزدی طباطبائی،پنج جلد،چاپ دوم ، بیروت،دار المعرفه
* عميد، حسن،(1366) فرهنگ عميد، ج 2
* عميدزنجاني، عباسعلي،(1364) *فقه سياسي: حقوق بين الملل اسلامي*، تهران: اميركبير
* علوی،سید محمود(1388)مبانی فقهی روابط بین الملل ج 7 تهران ،انتشارات امیر کبیر
* کیمرله ، هانیس (1387) فلسفه میان فرهنگی،درآمد ، ترجمه سایت دانایی، دفتر سازمان تبلیغات اسلامی قم
* کریمی‏نیا، محمدمهدی(1379) همزیستی مسالمت‏آمیز در اسلام و حقوق بین‏الملل، پایان‏نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‏الملل، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
* فلسفی، هدایت‌­الله(1390) صلح جاویدان و حکومت قانون، تهران، فرهنگ نشر نو
* فضل الله، سیدمحمدحسین(1372/1414 هـ.ق) اسلوب الدعوة فی القرآن، چاپ پنجم، بیروت، دارالملاك
* [فتحی واجارگاه،کوروش](http://www.noormags.com/view/fa/creator/216960) - [اسلامی،معصومه](http://www.noormags.com/view/fa/creator/86186) (1387) [بررسی میزان توجه به «آموزش صلح» در برنامه درسی دوره ابتدایی](http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/338511) نشریه [علوم تربیتی](http://www.noormags.com/view/fa/magazinebycategory/25) [نوآوری های آموزشی](http://www.noormags.com/view/fa/magazine/143) »  [- شماره 25](http://www.noormags.com/view/fa/magazine/number/17659) ([علمی-پژوهشی](http://www.noormags.com/view/fa/magazinebychar?Alphabet=all&r=3))
* مصطفوی،حسن(1360)التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،تهران،بنگاه ترجمه و نشر کتاب
* قرشی بنابی، علی‌‌اکبر(1371) قاموس قرآن ، نشردار الکتب الاسلامی تهران سال
* مطهری، مرتضی (1373) جهاد انتشارات صدرا چاپ هفتم
* منتظري مقدّم، حامد،(1381) «صحنه‌هاي صلح و آشتي درخشش در كارنامه‌ي رسول خدا»، ويژه نامه‌ي *تاريخ اسلام*
* مکارم شیرازی، ناصر و دیگران(1358) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
* واقدی،محمد بن عمر(1359-1989/1401)المغازی،تحقیق مارسدن جونز،سه جلد،جاپ سوم،بیروت مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
* منابع خارجی

-Casmir, Fred L., Nobleza C. Asuncion-Land,”Intercultural communication Revisited: conceptualization, paradigm Building, and Methodological Approaches “  , Communication Yearbook 12, sage,1989,pp.278-309

-Fischer, Nancy L., “Forword”, in Gary R.,weaver,Culture, Communicat  
Conflict:Readings in Intercultural Relations,1996, pp. XIII-XIV

-Galtung J.(1985).Twenty five years of peace research.Journal of peace Researc.22

-Jandt,FredE,(1995).Intercultural Commmunication.London:sage –

-Montessori,M(1949/1972).Education and peace trans.H.iane(1978).chicage:Henry Regnery

-Sydiaha .J(1987).Spirti of coyote women .In W. needham(E.d)women and peace.Halifax,Ns:voice of women

-Samovar:Larry A., Richard E(1995) Porter,Intercultural Communication:A    
Belmont, Wadsworth,1994 ,1995

-Weaver, Gary R., “Preface” , in Gary R., Weaver,Culture, Communicat  
and Conflict:Readings in InterculturalRelations,1996(a), pp.XV-XV1